

در تکاپوی هویت فردی: تجربه خودکشی زنان در شهرستان هلیلان

زهرا روشنی^۱
همایون مرادخانی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه پدیده خودکشی زنان در شهرستان هلیلان از توابع استان ایلام با استفاده از روش کیفی انجام شد. برای رسیدن به این منظور، مصاحبه‌های عمیقی با ۲۰ نفر از زنان و دخترانی که اقدام به خودکشی داشته‌اند یا از نزدیکان آنها، زنی اقدام به خودکشی کرده است، انجام شد. پشتوانه نظری این پژوهش، نظریه خودکشی دور کیم و دیدگاه گیدنز در رابطه با تأثیر مدرنیته بر جامعه‌پذیری افراد و نحوه تکوین هویت آنها بود. بر طبق یافته‌های این پژوهش، عواملی چون ظهور رسانه‌ها، توسعه مدارس و دانشگاه‌ها و رشد و توسعه حمل و نقل برون شهری از یک سو و گسترش عواملی چون: اختلافات خانوادگی، ازدواج‌های تحمیلی، خشونت خانگی، طلاق، بهتان، نظارت حداکثری و پوشش اجباری، بر شکل‌گیری و افزایش خودکشی تأثیر بسزایی داشته‌اند.

واژگان کلیدی: خودکشی، هویت فردی، زنان، هلیلان.



طرح مسئله

خودکشی اقدامی آگاهانه و با قصد و نیت و پیامد مشخص است که به مرگ فرد اقدام کننده منجر می شود. این مسئله در جهان امروزی در طبقه مسائل پیچیده جهان بشری قرار می گیرد. اگرچه نرخ خودکشی در ایران نسبت به سایر کشورهای دنیا وضعیت مطلوبی دارد؛ اما تمرکز و تراکم خودکشی ها در منطقه جغرافیایی غرب کشور (استان های ایلام، کرمانشاه و لرستان) و روند رو به رشد آن طی سه دهه گذشته، نشانگر مسئله بودن، بحرانی بودن و پدیده بودن خودکشی به لحاظ اجتماعی است (بهرامی، ۱۳۹۸: ۳۲).

در استان ایلام آمارها حاکی از آن است که در سال ۱۳۸۵ بالاترین نرخ های خودکشی موفق متعلق به شهرستان های دره شهر با ۳۸۷ و ایلام با ۲۵ مورد در هر ۱۰۰ هزار نفر بوده است. سال ۱۳۸۶ نیز بالاترین نرخ های خودکشی موفق به شهرستان های شیروان و چرداول با ۲۱/۶ و ایوان با ۱۴/۴ مورد در هر ۱۰۰ هزار نفر اختصاص داشته است. بخش هلیلان در سال ۱۳۹۸ با جدا شدن از شهرستان چرداول، به شهرستان ارتقا یافت و تبدیل به یازدهمین شهرستان استان ایلام در غرب ایران شد (همان: ۷۲). این شهرستان در شمال شرقی استان ایلام و در مرز استان های ایلام، کرمانشاه و لرستان واقع شده و بنا بر سرشماری مرکز آمار ایران، جمعیت آن در سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۵ هزار و ۲۷۶ نفر بوده است. ایلات هلیلان و زردلان از ایل های بزرگ استان ایلام هستند که در دشت هلیلان و حوزه زردلان و داجیوند سکونت دارند. ساختار خانواده های این ایلات، مبتنی بر پدرسالاری است (کوچکی، ۱۴۰۰: ۱۹۰).

در سایه تکوین و توسعه ابعادی از فرآیند مدرنیزاسیون در شهرستان هلیلان طی دهه های اخیر، نسلی از دختران و زنان پدید آمد که افکار آنها با افکار سنتی نسل های پیش تفاوت داشت و خواهان آزادی در زمینه های مختلف زندگی بودند؛ اما نسل پیشین این تغییرات را برنمی تافت. در واقع این نسل در محیطی زندگی می کند که افکار سنتی هنوز با قدرت حضور دارد و مانعی بسیار جدی برای آنها محسوب می شود. هنگامی که سنت و مدرنیته به طور همزمان در جامعه ای حضور داشته باشند؛ یعنی سنت ها هنوز موجود باشند؛ در حالی که مدرنیته، آن درجه از نفوذ را نیافته است که تثبیت شود، بروز مسائل اجتماعی گریزناپذیر می نماید. یکی از این مسائل اجتماعی، خودکشی است. زنانی که تلنگر اندیشه های مدرن به آنها زده شده است و تعاریف قدیمی و سنتی را پس زده اند، اگر بخواهند با هنجارهای موروثی به سؤالاتی، نظیر چه کسی هستیم؟ کجا هستیم؟ چه می کنیم؟ چطور زندگی می کنیم؟ و چرا به زندگی کردن علاقه داریم؟ پاسخ دهند، به تعارض می رسند و در تعارض موجود در بین سنت و مدرنیسم قرار می گیرند و در این نبرد مغلوب می شوند. زنان چون نمی توانند تغییراتی را که می خواهند در زندگی خود ایجاد کنند، متحمل هزینه های سنگینی می شوند؛ بدین ترتیب، پرسش پژوهش حاضر این است که کدام شرایط اجتماعی و فرهنگی شهرستان هلیلان، زنان را مستعد خودکشی کرده است؟

اهداف پژوهش

۱. هدف اصلی

هدف از پژوهش حاضر، بررسی پدیده خودکشی در میان زنان اقدام کننده در شهر هلیلان است.



۲. اهداف فرعی

- شناسایی عوامل مؤثر بر اقدام به خودکشی زنان در شهرستان هلیلان؛
- شناسایی راهبردهای مقابله با مسئله خودکشی در بین زنان شهرستان هلیلان.

سؤال پژوهش

- شرایط فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بر خودکشی زنان در شهرستان هلیلان کدامند؟

پیشینه پژوهش

جمشیدی‌ها و قلی‌پور (۱۳۹۸) در تحقیق خود با عنوان «مدرنیته و اثر آن بر خودکشی زنان و دختران لک» بر این باورند که از دههٔ چهل به بعد، مدرنیزاسیون به شیوه‌ای ناگهانی وارد مناطق لکنشین شد و در مدت کمتر از دو دهه با تمام مظاهر فرهنگی‌اش در این سرزمین‌ها حضور یافت که از یک طرف، عمران و آبادانی و رفاه و از طرف دیگر، ضدیت‌ها و نابسامانی‌های متعددی را به همراه داشت. سنت‌های این قوم، محکم و پابرجا بودند و هیچ چالشی برای آنها به وجود نیامده بود که ناگهان نسل جدید، فرهنگ مدرنیستی را از ابزارها و رسانه‌های جدید و آموزش همگانی یاد گرفت. کنشگران این نسل به سن تکلیف رسیدند و چیزهایی یاد گرفتند که با عقاید و نظرات والدینشان در تضاد بود؛ بنابراین آسیب دیدند و خودکشی یکی از نمونه‌های بارز این آسیب بود.

ربیعی و گرجی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «تجربهٔ زیستهٔ اقدام به خودکشی در دختران ۱۲ تا ۱۸ سالهٔ شهرستان خمینی شهر» نشان دادند که دختران در دوران هویت‌یابی، در کنار همسالان، والدین و سیستم آموزشی، به‌ویژه معلمان و فضای مجازی هستند؛ بنابراین متخصصان باید در راستای افزایش آگاهی به خانواده‌ها، مدارس و سیستم قانون‌گذاری و در جهت نظارت بر فضای مجازی و افزایش سواد رسانه‌ای، ملزومات لازم را فراهم آورند تا از این طریق، اصول اساسی در پیشگیری از خودکشی نوجوانان، تدوین و عوامل زمینه‌ساز، رفع یا تعدیل شوند.

رضایی‌نسب و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیق خود با عنوان «بررسی تجارب زیستهٔ اقدام به خودکشی زنان شهر ایلام با رویکرد روشی نظریه‌مبنایی» با تحلیل و کدگذاری مصاحبه‌ها، بررسی فرضیهٔ اصلی و استخراج مقوله‌های تنش در زندگی، کژکارکردی خانواده‌ها، باور به تغییر، باور به رهایی، بستر اقتصادی، فشار هنجاری و تناقض هنجاری با واقعیت را به عنوان علل خودکشی زنان شناسایی کردند.

ریاضی و نجفیان‌پور (۱۳۹۴) در تحقیقی کیفی با عنوان «مقایسهٔ عوامل فرهنگی-اجتماعی و روانشناختی در خودکشی زنان ایران و تاجیکستان» نشان دادند که عوامل مهم و دخیل در خودکشی در هر دو کشور که ریشه در فقر دارند، عبارتند از: خشونت خانوادگی، القای فرهنگی، روابط سرد خانوادگی، ازدواج اجباری، مسئولیت بیش از اندازه، فقدان حریم خصوصی، چند همسری، تعصبات نامعقول و فقدان ارتباط مناسب بین نسل‌ها.



سفیری و رضایی نسب (۱۳۹۵) در مقاله «مطالعه کیفی از پدیده خودسوزی زنان شهر ایلام»، ضمن بیان عناصر عمومی پدیده خودسوزی از قبیل: کم‌سوادی، بیکاری و نظایر آن، مقوله‌های خاصی را به دست دادند که عبارتند از: الگوهای جنسیتی سنتی، برچسب زدن، محرومیت و افسردگی زنان خودسوز. این مقوله‌ها با استناد به داده‌های مصاحبه‌ای، بیانگر ماهیت چندبعدی پدیده خودسوزی زنان در شهر ایلام هستند.

بهرامی (۱۳۹۸) در کتاب «فرهنگ، توسعه و خودکشی در غرب ایران» همزمانی نامیمون سه عنصر زیست جهان سنت‌ها، فقر و نابرابری اجتماعی را موجب مرگ فهم مشترک در کنش‌های انسانی می‌داند. این کتاب با رویکرد ترکیبی انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی، به مسئله شناختی، چیستی، چگونگی و فهم عمیق خرده‌فرهنگ‌ها، باورهای فرهنگی و پدیده خودکشی نگاشته شده است. بهرامی خودکشی را اعتراضی تاریخی به شرایط فقر، محرومیت، بی‌عدالتی و نابرابری‌های اجتماعی در زندگی می‌داند. از منظری دیگر، اعتراض به خشونت‌ها و خرده‌فرهنگ‌هایی است که در شرایط امروزی، مانع آزادی‌های فردی، انتخاب‌ها و تحقق استعدادهاست.

محسنی تبریزی (۱۳۷۳) در ملاحظاتی در باب نظریه خودکشی دورکیم بیان می‌دارد که خودکشی زنان بیشتر از مردان قابل مشاهده است. معمولاً استان‌های کرد و لر نشین از نظر فرهنگی به گونه‌ای هستند که زنان معمولاً از خود اختیاری ندارند و مردان آنان را تحت تملک خود می‌دانند؛ همچنین باید عمدتاً کارهای خانه و حتی بعضی از کارهای مردان را نیز انجام دهند. در این استان‌ها چندزنی بیشتر از سایر استان‌هاست و شاید این دلیلی بر ناتوانی آنها در تحمل زندگی باشد.

به طور کلی، هر پژوهشی که صورت می‌گیرد، نقاط ضعف و قوتی دارد که لازم است یادداشت شوند تا در تحقیقات بعدی از نقاط قوت بهره گیرند و نقاط ضعف را رفع کنند. تحقیقات مذکور و سایر پژوهش‌های صورت گرفته در مورد خودکشی بسیار قابل توجه‌اند. قوانین و باورهای فرهنگی در بروز پدیده خودکشی نقش بسیار مؤثری دارند. مسئله خودکشی را باید در ارتباط با فرهنگ، اقتصاد و اجتماعی بررسی کرد که این پدیده در آن روی می‌دهد. نمی‌توان خودکشی را امری فردی دانست که بر اساس تحولات روحی و روانی بروز می‌کند؛ بلکه باید آن را در پیوند با جامعه و زندگی روزمره فرد بررسی کرد. در پژوهش حاضر، مسئله خودکشی در زمینه و بافت فرهنگی شهرستان هلیلان، بررسی شده است.

مبانی نظری

نظریه خودکشی دورکیم

اولین تحلیل مشهور جامعه‌شناختی از خودکشی را امیل دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، عرضه کرده است. او نظریه خود را در این خصوص بر پایه همبستگی اجتماعی پایه‌ریزی کرد و چهار نوع را برای آن معرفی نمود. دورکیم خودکشی را اینگونه تعریف کرد: «هر نوع مرگی که نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم کردار مثبت یا منفی خود قربانی است و می‌دانسته است چنان نتیجه‌ای به بار می‌آورد» (دورکیم، ۱۳۷۸: ۱۸).

خودکشی خودخواهانه: دورکیم این نوع خودکشی را خاص جوامع و اجتماعاتی می‌داند که



در آن فلسفه و سنت فردگرایی، استقلال طلبی فردی، خوداتکایی و خودکفایی مرسوم و مورد تأیید است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۳۱).

خودکشی دیگرخواهانه: این نوع خودکشی نیز خاص جوامعی است که به شدت از وحدت و یگانگی گروهی، تعلق فرد به گروه‌های اولیه و ثانویه و همکاری سازمان‌های مختلف اجتماعی، حمایت و پشتیبانی می‌کنند. در این گونه جوامع، میزان کنترل و فشار گروهی به شدت بالا، تعلق گروهی بسیار عمیق و همانندسازی با گروه بسیار شدید است؛ به طوری که موجودیت فردی جدا از موجودیت گروهی، نامفهوم تلقی می‌گردد (همان: ۱۳۳).

خودکشی ناشی از بی‌هنجاری: از نظر دورکیم، خودکشی آنومیک، معلول عدم تعادل، دگرگونی ساختاری، وقفه ناگهانی و شدید یا تغییرات عمیق و سریع در سازمان‌ها و نظام‌های اجتماعی است. چنین وضعیتی خود معلول کسادی سازمان اقتصادی، از هم‌پاشیدگی ارزش‌های سنتی، تورم پول، تغییر حکومت، ورشکستگی مالی و انقلاب است (همان: ۱۳۵۳).

خودکشی تقدیرگرایانه: «این نوع خودکشی از کنترل مفرط و افراط در نظم و قاعده ناشی می‌شود. اشخاصی دست به چنین خودکشی‌ای می‌زنند که آینده‌شان به طور بی‌رحمانه‌ای مسدود گردیده و احساساتشان به شدت با مقررات و قواعد آزاردهنده سرکوب شده است» (دورکیم، ۱۳۷۸: ۳۳۱). زمانی که فرد، خود را در شرایطی بیند که نمی‌تواند اوضاع را تغییر دهد و توانایی کنترل اوضاع را نداشته باشد، به سمت خودکشی سوق پیدا می‌کند. وی در این شرایط احساس می‌کند راهی برای فرار از مشکلات ندارد.

نظریه گیدنز

هویت بخش مهمی از وجود انسان است که زندگی فردی و اجتماعی هر شخص تحت تأثیر آن است. در جامعه امروزی، عواملی مثل صنعتی شدن، توسعه تکنولوژی، گسترش اقتصاد، توسعه ارتباطات و فرآورده‌های فرهنگی موجب شده است که دانش‌ها، مهارت‌ها، باورها ارزش‌ها، سنت‌ها، قواعد، رسوم اخلاقی و مذهبی، به طور پیوسته مورد تردید و پرسش قرار بگیرند (معروف‌پور و سفیری، ۱۳۹۷: ۲۲۶). در چنین شرایطی، افراد به هویت نیاز دارند تا باعث تثبیت موقعیت آنها و رسیدنشان به اهداف شود. از جمله نظریه‌پردازانی که در مورد هویت نظریه‌پردازی کرده‌اند، آنتونی گیدنز است. برای فهم نظریه او در باب هویت ابتدا باید نگاهش به مدرنیته را مورد بررسی قرار داد. او مدرنیته را به شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می‌داند که از قرن هفدهم به بعد در میان مردم اروپا تجربه شد و به تدریج نفوذ کم و بیش جهانی پیدا کرد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۴)؛ همچنین آن را در اصل و اساس، نوعی نظم اجتماعی نوین پس از جوامع پیشامدرن و نظام‌های سنتی می‌داند. از نگاه گیدنز هویت عبارت است از خود شخص، آن طوری که از خودش تعریف می‌کند. به نظر او، هویت انسان در کنش متقابل با دیگران ایجاد می‌شود و در جریان زندگی پیوسته تغییر می‌کند. هیچکس هویت ثابتی ندارد، هویت، سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن است (همو، ۱۳۸۵: ۱۵).



هویت، مهمترین ساحتی است که به ارتباط افراد با دیگران و با خود فرد معنا می‌دهد و از یک طرف، ارتباط فرد با دیگران و گروه‌ها را جهت می‌دهد و از طرف دیگر، به پرسش‌های اولیه وجودی او پاسخ می‌دهد و نیاز او را به درک خود به عنوان موجودی متمایز برآورده می‌کند. تکاپوی زنان برای به دست آوردن هویت مستقل، قابل انکار نیست. آنان امروزه در اثر شیوه جامعه‌پذیری متفاوتی که داشته‌اند، مانند نسل‌های قبل، خانه‌داری و فرزندآوری، نهایت آرزوها و کمالشان نیست. در واقع تعدد منابع هویت‌ساز برای زنان، تأثیر عمیقی بر آگاهی آنان داشته و موجب کاهش مطلوبیت نقش‌های سنتی در آنها شده است؛ به طوری که بیشتر آنها از موقعیت کنونی خود راضی نیستند و خواهان موقعیت جدید در جامعه هستند. هرکس نیاز دارد روایت ویژه‌ای از هویت خویش را بپروراند و هر فرد در شرایط مدرن، انتخاب‌های بیشتری دارد. گیدنز یادآور می‌شود که برای همه افراد و گروه‌ها، انتخاب شیوه زندگی، مشروط به شانس‌ها و فرصت‌هایی است که نصیبشان می‌شود (همو، ۱۳۸۴: ۲۹).

در پژوهش حاضر، خودکشی زنان در جوامع مدرن از نوع خودکشی تقدیرگرایانه معرفی می‌شود که واکنشی به تنظیم اجتماعی جامعه است. از نگاه گیدنز در شرایط مدرن، هر فرد انتخاب‌های بیشتری دارد و می‌تواند شیوه زندگی خود را انتخاب کند. این امکان نیز بیشتر به واسطه دگرگونی‌هایی است که مدرنیته به وجود آورده؛ در حالی که ساختار جامعه مورد پژوهش، حق انتخاب و گزینش سبک زندگی را از زنان گرفته است. در نتیجه آنها در تکاپو برای دستیابی هویت فردی با شکست مواجه می‌شوند و دست به خودکشی می‌زنند.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر به روش کیفی و مصاحبه عمیق با زنان شهرستان هلیلان انجام شده است. جامعه مورد مطالعه در این تحقیق نیز زنان ناموفق در اقدام به خودکشی در شهرستان هلیلان هستند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات، با نزدیکان زنان و دخترانی که تجربه خودکشی موفق داشته‌اند و با تعدادی از زنان و دخترانی که خودکشی ناموفق را تجربه کرده بودند، مصاحبه‌هایی انجام گرفت.

تکنیک گردآوری داده‌ها

در این تحقیق، نمونه‌ها بر اساس دسترسی، راحتی و توجه به اشباع نظری انتخاب شدند، برای تحلیل علل مؤثر بر خودکشی، به آشنایی محقق با منطقه و تجربه زیسته نیاز بود. محقق نیز با منطقه مورد مطالعه آشنایی کامل داشت و از پیشینه افرادی که دست به خودکشی زده‌اند و شرایط خانوادگی آنها تا حدودی مطلع بود. در این راستا مهمترین افراد و اسناد، مشاهده و مطالعه گردید. ویژگی‌های نمونه‌های انتخابی همراه با تعداد افراد مورد مطالعه در جداول ذیل آمده است.



جدول شماره (۱). اعضای نمونه

ردیف	مصاحبه شوندهگان	تعداد
۱	بستگان درجه یک و دوستان نزدیک افرادی که خودکشی موفق داشته‌اند	۸
۲	افرادی که خودکشی ناموفق داشته‌اند	۱۲

جدول شماره (۲). میزان تحصیلات اعضای نمونه آماری

تعداد	تحصیلات
۴	ابتدایی
۷	سیکل
۷	دیپلم
۲	لیسانس

جدول شماره (۳). روش‌های خودکشی اعضای نمونه آماری

تعداد	روش خودکشی	نوع خودکشی
۱	خودسوزی	خودکشی موفق
۴	حلق آویز شدن	
۱	استفاده از اسلحه	
۱	استفاده از قرص	
۳	استفاده از سم	خودکشی ناموفق
۷	استفاده از قرص	
۲	خودسوزی	
۱	استفاده از اسلحه	

جدول شماره (۴). وضعیت تأهل اعضای نمونه آماری

وضعیت تأهل	تعداد خودکشی موفق	تعداد خودکشی ناموفق
مجرد	۴	۵
متاهل	۵	۶

وضعیت سن: در شهرستان هلیلان، جوانان نسبت به بزرگسالان، بیشتر دست به خودکشی می‌زنند؛ یعنی بیشترین قربانیان خودکشی هستند. با افزایش سن، به تدریج از میزان خودکشی‌ها نیز کاسته می‌شود.

تحلیل اطلاعات

تحلیل داده‌ها در این پژوهش به روش کدگذاری صورت گرفت و ابتدا به تحلیلی عمیق از موارد منفرد تجربه خودکشی ناموفق و موفق پرداخته شد؛ به این ترتیب، یک دیدگاه کلی در مورد



هرکدام از افراد با تجربه خاص آنها به دست آمد و پس از تحلیل‌های موردی، مقوله‌ها و حوزه‌های موضوعی استخراج شد.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر شامل دو بخش است: بخش نخست، تغییرات ایجاد شده در شهرستان هلیلان است که موجب ظهور اندیشه‌ها و سبک‌های زندگی متفاوت از نسل پیش در این شهرستان شده است؛ بخش دوم نیز شامل عوامل مؤثر بر خودکشی زنان است که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تغییرات شهرستان

مناطق غرب کشور با سابقه روستانشینی و نظام معیشتی روستایی، در مدت سه دهه، تغییرات گسترده‌ای را تجربه کرده‌اند، با فرهنگ مدرن شهری آشنا گردیده و از آموزش، بهداشت و درمان، رسانه‌ها و وسایل ارتباطی نوین، توسعه حمل و نقل و ... برخوردار شده‌اند. هریک از این تغییرات موجب تحولاتی در باورهای فرهنگی افراد شده است. در واقع خانواده‌های سنتی ناگهان با موجی از برنامه‌ها، فیلم‌ها و ابزارهای ارتباطی نوین روبه‌رو شدند که هریک از این ابزارها می‌تواند مرزهای آزادی و روابط را تغییر دهد. استفاده از این ابزارهای جدید، باعث افزایش آگاهی، انتظارات و توقعات نسل جوان در شهرستان هلیلان شده و تعارضات زیادی را ایجاد نموده است؛ از جمله اینکه فردیت هنوز رشد نیافته است و خانواده، دودمان و طایفه هنوز بر رفتارهای فرد نظارت قوی دارند؛ در نتیجه او از خودمختاری و استقلال پایین رنج می‌برد.

ظهور رسانه‌ها

در جریان سریع جهانی شدن، تکنولوژی ارتباطی با سرعتی بسیار زیاد پیشرفت نموده و موجب دگرگونی‌های زیادی در جهان شده است. تأثیر رسانه‌ها در هویت‌سازی بر همگان کاملاً روشن است. رسانه‌ها می‌توانند ذوق، سلیقه و سبک زندگی مردم را به هر جهتی که مایل باشند تغییر دهند.

با ظهور فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، نقش محیط زندگی در شکل دادن به هویت بسیار کمتر از گذشته شد؛ زیرا رسانه‌ها و فناوری‌های نوین ارتباطی می‌توانند فرد را از مکان خود جدا کنند و به جهان پیوند بزنند. در واقع امروزه هویت و فرهنگ مثل گذشته کاملاً تحت تأثیر زمان و مکان نیست و از محدودیت‌های زمانی و مکانی فارغ گشته و این ویژگی اساسی دوران جدید است.

بر اساس گفتگوهای انجام شده با نمونه‌های مورد بررسی، بیشترین رسانه مورد استفاده آنها از نوع رسانه‌های الکترونیک بوده است. از ویژگی‌های مهم این نوع رسانه‌ها که موجب جذابیت آنها برای افراد و گسترش روزافزون استفاده از این بستر شده است، می‌توان به دسترسی آسان، کم‌هزینه بودن و تابع زمان و مکان نبودن اشاره کرد.



توسعه مدارس و دانشگاه‌ها

در جوامع امروزی، میزان تحصیلات هر فرد، تعیین‌کننده و نشان‌دهنده نوع نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتار اوست. دانش‌آموزان چیزهایی بسیار بیشتر از خواندن، نوشتن و حساب فرامی‌گیرند. مدرسه امکان تجربه‌هایی را برای افراد مهیا می‌سازد که در موقعیت‌های دیگر، کمتر امکان تحقق یافتن آنها وجود دارد. این تجربه‌ها منجر به فراگیری و درونی‌سازی ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی مدرن می‌شوند. در واقع، مدرسه به تدریج افراد را از شخصیت، هویت و به طور کلی، وضعیت سنتی آنها جدا می‌کند و به وضعیت مدرن نزدیک‌تر می‌سازد.

در جوامع در حال توسعه، مدرسه بیشترین نفوذ و تأثیرگذاری را برای دور ساختن افراد از سنت‌گرایی و نزدیک ساختن آنها به تجدد داشته است. معنای مدرسه در ساختار نظام جدید با معنای مدرسه در نظام پیشین تفاوت دارد. مدارس قدیم، حوزه‌های علمیه دینی بودند؛ اما مدارس جدید بر توسعه علوم عرفی و دنیوی متمرکز شده‌اند. همسالان نیز بخش مهم و تأثیرگذاری از زندگی افراد، به‌ویژه نوجوانان هستند. آنها یکدیگر را پشتیبانی می‌کنند تا وارد جامعه شوند و با انجام تمریناتی، برای پذیرفتن نقش‌هایی در آینده آماده می‌گردند.

در مناطق روستایی و شهرستان‌های کوچکی همچون هلیلان، که دختران و زنان، فضایی برای دورهمی و گذراندن اوقات فراغت با یکدیگر ندارند، مدرسه تنها محیطی محسوب می‌شود که گروه‌های همسال می‌توانند با یکدیگر وقت بگذرانند.

در دو دهه اخیر، تعداد افراد تحصیل‌کرده هلیلانی در دانشگاه‌های کشور، افزایش چشمگیری داشته است. این افراد وقتی به عنوان دانشجو در یک شهر جدید، برای مدت چند سال، به صورت شبانه‌روزی مستقر می‌شوند، هم از محیط شهری و هم از فضای علمی دانشگاه‌ها تأثیر می‌پذیرند و افکار آنها نسبت به افکار سنتی خانواده‌شان تغییر می‌یابد. آنها سبک‌هایی متفاوت از سبک زندگی خود را می‌بینند و در برخورد با سایرین این سبک‌ها را انتقال می‌دهند.

توسعه حمل و نقل و ارتباط با شهر و شهری شدن

در واقع توسعه حمل و نقل در شهرستان هلیلان که در اثر توسعه راه‌ها و افزایش وسایل حمل و نقل شخصی صورت گرفته، موجب شده است که مردم به منظور خرید و انجام امور اداری به ترتیب با شهرهای اسلام‌آباد، کرمانشاه، سرابله و ایلام ارتباط بیشتری نسبت به دهه‌های پیشین داشته باشند. در جریان این ارتباطات در مردم تغییراتی ظاهر شد. تا دهه گذشته، اغلب تردهای درون‌شهری و برون‌شهری ساکنان هلیلان با وسیله نقلیه مینی‌بوس صورت می‌گرفت که میزان رؤیت‌پذیری افراد، به‌ویژه زنان در آن بسیار بالا بود. با افزایش وسایل حمل و نقل شخصی، به تدریج هم میزان تردد مردم و هم آزادی افراد در این تردها بیشتر شد. از جمله تغییراتی که در جریان توسعه حمل و نقل و ارتباط با شهرهای اطراف در مردم به وجود آمد، می‌توان به تغییر در پوشش (در مرحله اول) و هنجارها و ارزش‌ها (در مراحل بعدی) اشاره کرد. تبدیل شدن هلیلان به شهرستان و رشد بافت شهری آن، افزایش وسایل حمل و نقل شخصی،



ایجاد پاساژهای فروش، افزایش فروشگاه‌های مختلف پوشاک و خوراک و رسانه، لوله‌کشی آب از سال ۱۳۸۷، گازکشی از سال ۱۳۹۹ و ... در تحول نقش و تحول فکری و فرهنگی نسل جوان، به‌ویژه زنان تأثیرگذار بوده است.

علل خودکشی زنان

از جمله ویژگی‌های موجود در فرهنگ حاکم در شهرستان هلیلان که موجب افزایش پدیده خودکشی می‌شوند می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. اختلافات خانوادگی

پدر در جامعه سنتی و پدرسالار، زنان و فرزندان را نه اعضای خانواده؛ بلکه دارایی خود می‌داند. در این نظام خانوادگی، خشونت بر زنان و فرزندان، لازم و ضروری تلقی می‌شود. باور داشتن به برتری جنس مرد نسبت به زن، زنان را از نظر قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب مسیر زندگی، پایین‌تر از مردان قرار داده است. مسئله قابل توجه این است که اختلافات خانوادگی در همه جا وجود دارد؛ اما باید فهمید که چرا در این منطقه منجر به خودکشی می‌شود؟

زنان نسبت به تحقیرهایی که علیه آنها اعمال می‌شود، مثل گذشتگان خود عمل نمی‌کنند و نوعی اعتراض به وضعیت موجود در آنها شکل می‌گیرد. اعتراض آنها نیز باعث اختلافات شدیدتر در خانواده می‌شود. این زنان تلاش می‌کنند تا شرایط را تغییر دهند؛ اما چون نگاه مردسالارانه در جامعه قوی است، اجازه تغییر شرایط به آنها داده نمی‌شود. هنگامی که توان تغییر را در خود نمی‌بینند هم اقدام به از بین بردن خود می‌کنند.

یکی از دخترانی که اقدام به خودکشی کرده است: «پدرم مادرمو کتک می‌زنه، دیگه آبرومونو بردن، ... از وقتی یادم میاد داشتن با هم دعوا می‌کردن، ... ظهر که دعواشون شد من گفتم خودمو می‌کشم؛ اصلاً گوش ندادند من هم تو حیاط نفت روی خودم ریختم ...»

۲. ازدواج تحمیلی

یکی از دلایل خودکشی در این شهرستان، ازدواج‌های تحمیلی است که اغلب تحت تأثیر بعد اقتصادی است. گاهی نیز به ازدواج درآوردن دختران خردسال با مردان مسن، باعث اقدام آنها به خودکشی می‌شود. دختر در هر سنی که باشد، اگر پدرش تشخیص دهد که می‌تواند ازدواج کند، این امر صورت می‌گیرد.

در جوامع سنتی باورهای ناموس‌پرستی بر مفاهیم عشق، ازدواج و مسائل جنسی سایه افکنده است. در جوامع سنتی، دوستی و روابط عاشقانه قبل از ازدواج به شدت سرزنش می‌شود.

یکی از زنانی که اقدام به خودکشی کرده است: «خانواده پرجمعیتی بودیم؛ چهار تا دختر با



فاصله‌های سنی کم و سه تا پسر و یک پدر کارگر. وضع مالی ضعیف باعث شد که پدر و مادرم هر چهارتامون رو به زور شوهر بدن و ...، مادرم بهم گفت: بمرین هن خاکین بژین هن فلانی (ضرب‌المثل لکی). قرص خوردم، نمردم، الانم هفت ساله عروسی کردم».

۳. طلاق

طلاق در بین مردم شهرستان هلیلان، هنوز هم پدیده قبیح و ناپسندی است. دخترانی که از زندگی زناشویی خود رضایت ندارند، مجبور هستند به آن ادامه دهند و در صورت جدا شدن، با رفتارهای خشونت‌آمیز و سرد خانواده پدری یا نگاه سنگین اطرافیان روبه‌رو می‌شوند که تحمل آن، سخت‌تر از ادامه زندگی با همسرشان است.

یک از نزدیکان زنی که خودکشی موفق داشت: «ده سالی بود که ازدواج کرده بود؛ اما بچه‌دار نمی‌شد، شوهرش مجدداً ازدواج کرد؛ اما حاضر نمی‌شد طلاقش بده؛ چون فکر می‌کرد مردم می‌گن توان نگهداریش رو نداشته و ...، زن دوم شوهرش ۳ تا پسر به دنیا آورد، توی اون خونه مثل کلفت بود و باید کارهای همه را انجام می‌داد».

آبرو در خانواده‌های سنتی، نقش مهمی را در زندگی افراد بازی می‌کند و اغلب موجب دشواری زندگی برای افراد می‌شود. طلاق یکی از موضوعاتی است که از نگاه جوامع سنتی، با آبرو ارتباط تنگاتنگی دارد.

۴. خشونت

در مناطقی که فرهنگ پدرسالار دارند، زنان نسبت به مردان در جایگاه اجتماعی پایین‌تری رتبه‌بندی می‌شوند. در چنین جوامعی، زنان و کودکان نمی‌توانند در صورت بروز خشونت به مراجع قضائی شکایت کنند. داشتن شغل و درآمد در پذیرش خشونت‌ها در محیط خانواده مؤثر است. پسران که توانایی و استعداد فعالیت‌های روزمره، به‌ویژه کشاورزی را دارند و از نظر اشتغال نسبت به زنان در وضعیت بهتری قرار دارند، از سوی اطرافیان و خانواده، تشویق می‌شوند؛ اما زنان به دلیل نبودن شغل مناسب در محیط زندگیشان، در محیط خانواده با انواع توهین‌ها و تحقیرها مواجه می‌شوند.

یکی از دخترانی که اقدام به خودکشی کرده بود: «پدرمان چند سال است که از کار افتاده شده، خرج زندگیمان از مستمری کمیته امداد و کار برادرم تأمین می‌شود، عادت داشتیم به کتک‌زدن‌های برادرم، با کابل برق همه بدنم را سیاه کرد، نفرینش کردم؛ ولی دیدم مادرم ازش دفاع می‌کنه، دیگه امیدی نداشتم».

۵. تهمت زدن به زنان

انگ‌های اجتماعی نقش بسیار مؤثری در سوق‌دهی زنان به عمل خودکشی داشته است. در



جوامعی که ساختار طایفه‌ای و قومی دارند، زمانی که گروه‌های قومی به دشمنی با یکدیگر می‌پردازند، با توجه تعصبات شدیدی که بر روی زنان وجود دارد، برای غلبه بر رقیب، شروع به شایعه‌پراکنی علیه زنان قوم مقابل می‌کنند و به آنها تهمت می‌زنند؛ چراکه حس می‌کنند از این طریق بیشتر می‌توانند به آنها ضربه بزنند. زنی که مورد پرسش و حمله تهمت‌های آنها قرار می‌گیرد، نمی‌تواند به تنهایی از خود دفاع کند؛ چراکه قوم و طایفه‌اش به جای دفاع از او، با موج شایعه‌ها همراه می‌شوند؛ بنابراین اقدام به خودکشی می‌کند و با گرفتن جان خود، تلاش می‌کند از آبروی خود دفاع نماید.

یکی از آشنایان زنی که خودکشی موفق داشته است: «بهبش تهمت زدن که با دوست شوهرش که با او قطع ارتباط کردن ارتباط دوستی داره و ...، چندبار به خاطر این تهمت‌ها برگشت خونه پدرش؛ ولی هر بار به خاطر بچه‌اش برمی‌گشت. بعد از مرگش همه فهمیدن که اون حرف‌ها شایعاتی بوده که از طرف دوست شوهرش پخش شده بود برای اینکه بتونه به دوستش لطمه بزنه».

۶. نظارت حداکثری بر زنان

زنانی که در این منطقه زندگی می‌کنند، گویا که هیچ حریم خصوصی‌ای ندارند و تمام رفتارهای آنها تحت نظارت اعضای خانواده، فامیل و قوم خود و اقوام رقیب است. زندگی کردن در این مناطق برای زنان کار بسیار سختی است؛ چراکه کوچکترین کاری می‌تواند به حاشیه‌سازی علیه آنها منجر شود. آنها مجبورند به انواع محدودیت‌ها تن دهند تا در موردشان حاشیه‌ای وجود نداشته باشد و این از نکات دردناک زندگی زنان شهرستان هلیلان است. حریم خصوصی زنان مورد مطالعه از جانب خانواده آنها دائماً مورد تعرض قرار می‌گیرد. کنترل رفت و آمدهای دختران، اجبار برای کسب اجازه از مردان خانواده برای خروج از منزل و همراهی آنها بیرون از خانه، ارائه توضیح در رابطه با چگونگی گذران ساعات روز به مردان و ... همگی نشان‌دهنده نظارت بیش از حد و اندازه بر عمل دختران و زنان است که گاه آنها را به سمت خودکشی سوق می‌دهد.

یکی از دخترانی که اقدام به خودکشی کرده است: «پدر و برادرم همیشه من را کنترل می‌کردند، با اینکه می‌دونستند من اهل دوست‌پسر گرفتن نیستم. همیشه هر جا که می‌رفتم فقط به برگشت فکر می‌کردم که الان چی بگم؟ بعضی وقت‌ها برادر کوچکترم را همراه می‌فرستادند».

۷. پوشش

پوشش در این شهرستان ارتباط نزدیکی با مفهوم آبرو دارد. دختری که با پوششی خلاف پوشش سنتی در محیط عمومی ظاهر شود، مورد سرزنش قرار می‌گیرد؛ چراکه گویی به آبروی گروهی صدمه وارد کرده است. در واقع مردان برای اینکه از مرتبه آبرو سقوط نکنند و اعتبار



اجتماعی آنها کم نشود، مثل سربازانی عمل می‌کنند که همیشه آماده خدمت به سنت‌ها در خصوص زنان هستند.

یکی از دخترانی که اقدام به خودکشی کرده است: «اینجا نباید لباس رنگی بپوشی، حتی با چادرم نمی‌شه بعضی رنگ‌ها رو پوشید. مدیر مدرسه همیشه به لباس و آرایش من ایراد می‌گرفت. یه روز مادرم رو از مدرسه خواستن تا بهش تذکر بدن؛ وقتی برگشتیم خونه، مادرم با پدرم صحبت کرد، گفتن اگر همینجوری ادامه بدی، اجازه نداری مدرسه بری. خیلی داشتن بهم سخت می‌گرفتن هم تو مدرسه هم تو خونه. واقعاً برام غیرقابل تحمل بود و ...».

بحث و نتیجه‌گیری

در نوشتار حاضر، موضوع خودکشی زنان در شهرستان هلیلان بررسی شد. از میان ابعاد مختلف هویت، هویت جنسی در برخی مناطق، نقش بسیار مهمی در وقوع خودکشی دارد. مطالعه هر مسئله اجتماعی باید در فضای مناسب خود صورت بگیرد. در واقع هر مسئله اجتماعی در یک بستر زمانی، مکانی و فرهنگی مشخص، بیشتر رخ می‌دهد. خودکشی هم به عنوان یک مسئله اجتماعی باید در بستر مناسب خود بررسی شود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که خودکشی زنان در شهرستان هلیلان، متأثر از مجموعه‌ای از زمینه‌ها و علل است. شهرستان هلیلان در دهه‌های اخیر، در اثر نوسازی، با تحولات مختلفی همچون: دسترسی به آب لوله‌کشی، گاز، تلفن، اینترنت، شبکه‌های مجازی، تلویزیون، آموزش همگانی، حمل و نقل، ارتباط گسترده با شهرهای اطراف، دانشگاه‌ها و ... مواجه بوده که باعث ظهور نسلی شده است که با نسل پیش از خود تفاوت دارد و در سایه این تحولات، جامعه‌پذیر شده و خود در شکل‌گیری هویتش نقش فعال داشته است؛ این در حالی است که نسل‌های پیشین از طریق آموزش‌های سنتی خانواده، جامعه‌پذیر می‌شدند و نهادهای خانواده و دین، مرجع جامعه‌پذیری آنها بود. نسل حاضر با استفاده از منابع متعددی جامعه‌پذیر می‌شود و خانواده، مدرسه، گروه همسالان، فضای مجازی دین، سیاست و ... همگی در شکل‌گیری هویت این نسل تأثیر گذارند.

در سایه رشد مدرنیته، نسلی ظهور کرد که افکار متفاوتی نسبت به نسل‌های پیش از خود دارد، در مسیر جامعه‌پذیری خود آگاهی به دست آورده است و خواهان آزادی است. این نسل تصمیم دارد تغییراتی در سبک زندگی خود ایجاد کند، مستقل شود، پوشش خود را تغییر دهد، با جنس مخالف ارتباط بگیرد، تحصیل کند، در جامعه حضور فعال داشته باشد، به میل خود ازدواج کند و طلاق بگیرد و ...؛ اما از آنجایی که در باورهای نسل پیشین، هنوز هم سنت با قدرت وجود دارد، در مقابل این تغییرات مخالفت صورت می‌گیرد و افکار سنتی، مانع بسیار جدی و محکمی در برابر نسل جدید است. این تغییرات در هر دو گروه زنان و مردان ایجاد شده است؛ اما شرایط برای زنان و دختران دشوارتر از گروه مردان است؛ چراکه مردان از قبل، آزادی‌های نسبی داشته‌اند و در فرهنگ جامعه مورد بحث، کمتر مورد تهمت و افترا قرار می‌گیرند. به علت داشتن قدرت فیزیکی و نان‌آور بودن هم کمتر مورد خشونت خانواده قرار



می‌گیرند و اغلب خود آنها هستند که خشونت را اعمال می‌کنند. در کل رفتار آنها کمتر تحت نظارت قرار می‌گیرد.

توجه به شتاب جهانی شدن، هجوم فناوری‌های ارتباطی و نقش بسیار قوی رسانه‌ها در تغییر شیوه‌های جامعه‌پذیری زنان و تأثیر مدرنیته در افزایش روابط گروهی زنان در جامعه، آگاهی آنها را نسبت به حقوق خود و شیوه‌های زندگی متفاوت افزایش داده است. این تحولات در ایجاد و تغییر هویت فردی و جمعی زنان، نقش بسیار چشمگیری داشته است. زنانی که تحت تأثیر تغییرات به وجود آمده در عصر مدرن، جامعه‌پذیری متفاوتی نسبت به نسل‌های پیش از خود دارند، ارتباطاتشان گسترش می‌یابد، در مدرسه و دانشگاه‌ها تحصیل می‌کنند، کتاب می‌خوانند، در شبکه‌های اجتماعی و فضاهای مجازی حضور دارند و از این طریق با شیوه‌های متفاوت زندگی هم‌جنسان خود در سراسر جهان آشنا می‌شوند و دیگر نمی‌توانند همان نقش‌های تعیین شده از سمت جامعه را تقلید کنند؛ بلکه خود به دنبال ساختن هویت شخصی خود بر می‌آیند و می‌خواهند آن طور که باب میل خودشان است نقش بپذیرند و زندگی کنند؛ اما زمانی که موفق به ایجاد تغییرات دلخواه خود نمی‌شوند، احساس شکست و ناامیدی می‌کنند و به زندگی خود پایان می‌دهند. این نوع خودکشی در اثر ناتوانی آنان در ایجاد تغییرات مطلوب است؛ به عبارتی آنها بعد از اینکه تلاش می‌کنند دنیای خود را تغییر دهند؛ اما موفق نمی‌شوند، به ناچار دست به خودکشی می‌زنند.

مشکلات خانوادگی، خشونت، طلاق، ازدواج تحمیلی، تهمت و انگ‌زنی، نظارت حداکثری و اجبار در پوشش از علل خودکشی زنان است. اعمال خشونت و محدود کردن زنان، محصول ارزش‌های سنتی در جامعهٔ مردسالار و توزیع نابرابرانه و جنسیتی قدرت در خانواده و جامعه است. زمانی این محدودیت‌ها اعمال می‌شوند که کنش‌های زنان، تهدیدی علیه اقتدار مردانه باشد. زنان این شهرستان به شدت رؤیت‌پذیرند و نمی‌توانند در گمنامی بمانند و در اجتماع حضور نداشته باشند. آنها می‌خواهند آن گونه که مایلند زندگی کنند؛ اما از پوشش گرفته تا ساعت رفت و آمدهایشان، ارتباطاتشان در فضای بیرون از خانه، محل‌های تردد و حضورشان، نوع وسایل حمل و نقلی که استفاده می‌کنند و ... همگی تحت نظارت گروه‌های مختلف، اعم از اعضای خانواده، فامیل، غریبه‌ها و همسایگان است.

مردسالاری با استفاده از مفاهیم ناموس و آبرو در مسیر کنترل کنش‌های زنان قدم می‌گذارد. زنان در این شرایط وقتی می‌بینند که امکانات زیادی برای دفاع از خود ندارند، آموزشی هم برای چگونگی احقاق حق خود ندیده‌اند، در موقعیتی قرار می‌گیرند که قدرت تغییر وضعیت را ندارند و هیچ امیدی برای رهایی نمی‌بینند، دست به خودکشی می‌زنند.



- بهرامی، اردشیر (۱۳۹۸)، فرهنگ، توسعه و خودکشی در غرب ایران، چ دوم، تهران: سازمان جهاد دانشگاهی.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا و سیاوش قلی‌پور (۱۳۸۹)، «مدرنیته و خودکشی دختران و زنان لک»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره اول.
- دور کیم، امیل (۱۳۷۸)، خودکشی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ربیعی، طاهره و یوسف گرجی (۱۳۹۹)، «تجربه زیسته اقدام به خودکشی در دانش آموزان دختر ۱۲-۱۸ ساله شهرستان خمینی شهر»، سلامت جامعه، دوره چهاردهم، شماره ۲.
- رضایی‌نسب، زهرا، محمد تقی شیخی و فاطمه جمیلی کهنه‌شهری (۱۳۹۷)، «بررسی تجارب زیسته اقدام به خودکشی زنان شهر ایلام با رویکرد روشی نظری مبنایی»، جامعه‌شناسی ایران، سال هجدهم، شماره ۴.
- ریاضی، سیدابوالحسن و بانودخت نجفیان‌پور (۱۳۹۴)، «مقایسه عوامل مؤثر فرهنگی - اجتماعی و روانشناختی در خودکشی زنان ایران و تاجیکستان»، تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۸، شماره ۴.
- سفیری، خدیجه و زهرا رضایی‌نسب (۱۳۹۵)، «مطالعه کیفی از پدیده خودسوزی زنان شهر ایلام»، زن و جامعه، دوره ۷، شماره ۲۵.
- کوچکی، رشید (۱۴۰۰)، هلیلان در گذر تاریخ، چ دوم، ایلام: زاگرو.
- گیلدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، چ سوم، تهران: مرکز.
- (۱۳۸۵)، تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موفقیان، چ چهارم، تهران: نی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۳)، «ملاحظات در باب نظریه خودکشی دور کهایم»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۷، شماره ۷.
- معروف‌پور، مینا و خدیجه سفیری (۱۳۹۷)، «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تعارض هویتی زنان شهر نقده»، مطالعات زن و خانواده، دوره ۶، شماره ۲.